

# بیم و امید های دو جنبش ارتجاعی در پس تشدید فعالیت های دیپلماتیک علی جوادی

صفحه ۲

## کارگران در هفته ای که گذشت ( شهلا دانشفر )

-بازنشستگان به استقبال تجمع بزرگ ۲۸ خرداد میروند  
-برگزاری آکسیون در مقابل سازمان جهانی کار(آی ال او)  
-کارگران در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار

صفحه ۴

## سودان: ارتش ستون ارتجاع علیه مردم کاظم نیکخواه

صفحه ۵

## مسائل انقلاب ایران "اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید" جلیل جلیلی

صفحه ۷

## فراخوان به اعتراض علیه نمایشگاه حجاب در کلن دیگر بس است! مینا احدی

صفحه ۹

## یک زندانی سیاسی دیگر را در زندان کشتند جمهوری اسلامی مسئول مستقیم قتل علیرضا شیرمحمد علی ۲۱ ساله است کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

صفحه ۹

## نامه سرگشاده سپیده قلیان از زندان قرچک: من همچنان ایستاده ام

صفحه ۱۰

## نامه آتنا دائمی در خصوص انتقال سپیده قلیان به زندان قرچک ورامین؛ "اطمینان دارم که عزمش بیشتر خواهد شد"

صفحه ۱۰

## قابل توجه اعضای حزب کمونیست کارگری ایران!

یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری در اکتبر سال جاری (مهرماه ۱۳۹۸) در یکی از کشورهای اروپایی برگزار می شود. در این مورد، توجه شما را به دو نکته زیر جلب می کنیم:

۱- برای اطلاع از نحوه شرکت در انتخابات کنگره، با کمیته و مسئول واحد خود و یا آدرس های زیر هر چه زودتر تماس بگیرید.

۲- در صورتیکه برای انتخابات مرحله سراسری کاندید هستید، حداکثر تا تاریخ ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد) مستقیماً با ایمیل آدرس زیر به کمیته برگزاری انتخابات اطلاع دهید تا نام شما در لیست کاندیداهای نمایندگی مرحله سراسری وارد شود.

از طرف کمیته برگزاری انتخابات کنگره ۱۱ حزب کمونیست کارگری ایران سیامک بهاری  
wpi.elction2019@gmail.com

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۲۰

جمعه ۲۴ خرداد ۱۳۹۸، ۱۴ ژوئن ۲۰۱۹

## بحران اقتصادی جمهوری اسلامی راه حل ندارد



اصغر کریمی

آمریکایی برای جمهوری اسلامی قابل تغییر نیست و در منطقه نیز جمهوری اسلامی نه میتواند سیاست خود را تغییر اساسی بدهد و نه غرب با عقب نشینی نیمه و ناقص جمهوری اسلامی مشکلاتش با آن حل و فصل میشود. معضلات اقتصادی جمهوری اسلامی امروز پس از چند دهه به مراتب عمق بیشتری پیدا کرده و راه حل های دو سه دهه قبل هم دیگر جوابگو نخواهد بود.

اینکه بحران اقتصادی جمهوری اسلامی قابل حل نیست و این بحران آخر جمهوری اسلامی است، بحث

ادامه در صفحه ۳

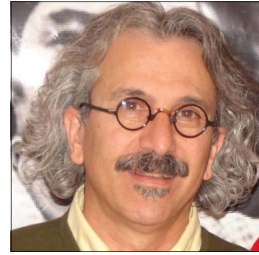
**پرسش از اصغر کریمی**  
انترناسیونال: در هفته های اخیر شاهد لحن ملایمتری در برخورد میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی با یکدیگر بوده ایم. علیرغم مجادلات آنها که با افت و خیز روبرو بوده است احتمال اینکه جمهوری اسلامی کوتاه بیاید و مذاکراتی صورت گیرد و به توافقاتی برسند وجود دارد. در صورتی که توافقی صورت بگیرد و به تحریم های اقتصادی هم پایان داده شود، آیا در چنین صورتی امکان تخفیف یا حل بحران اقتصادی جمهوری اسلامی وجود دارد؟

**اصغر کریمی:** توافق قابل توجهی میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا و کلا دنیای غرب ایجاد نخواهد شد، اما حتی اگر توافقات حداکثری هم ایجاد شود و تحریم ها هم کنار زده شود، این روابط نه ابعاد زیادی خواهد داشت و نه پایدار خواهد ماند. هویت ضد

## ضمیمه انترناسیونال ۸۲۰ منتشر میشود

شیوه مقابله با اپوزیسیون راست  
گفتگوی رادیو پیام کانادا با حمید تقوایی

## بیم و امید های دو جنبش ارتجاعی در پس تشدید فعالیت‌های دیپلماتیک علی جوادی



خورده است، هر چند که تحت فشار جامعه و کمونیسم کارگری ناچارند شب و روز قسم بخورند که جنگ طلب نیستند. اینها همان جریان‌های هستند که پرچم "تنکیو بوش" را در قبال حمله نظامی آمریکا به عراق در دست گرفتند و خواهان تکرار آن در ایران بودند. واقعیت این است که جنگ و تحریم اقتصادی، علیرغم هر ظاهر فریبی‌ای، از ارکان مهم سناریوی سیاسی شان برای نزدیک شدن به قدرت سیاسی است.

دلایل متعددی در جریان‌های نماینده و منعکس کننده هیچ بخشی از خواست و اهداف و مطالبات توده‌های مردم زحمتکش و ازادخواه و برابری طلب نیستند. فقر و فلاکت مردم در دستان نیست. نابرابری و تبعیض سیاسی و اجتماعی و طبقاتی جایی در سیاستشان ندارد. منفعتشان در نابرابری طبقاتی انسانها و حفظ موقعیت برتر طبقاتی و اجتماعی است. کاری چندانی به حاکمیت کثیف مذهب در زندگی و شئون جامعه ندارند. "حکومت آخوندی" درد اول و آخرشان است. مساله شان سهم بیری از قدرت سیاسی و چپاول اموال مردم است. سیاستشان درد غیر قابل علاج شان است. فاقد نیروی اجتماعی قابل ملاحظه‌ای در زمین سیاست و در جامعه هستند. نمیتوانند به گرد سیاست‌هایشان قائم به ذات نیروی معینی را بسیج و سازماندهی کنند. بر این تصور پوچ اند که آمریکا و متحدین اش کلید رسیدن به کاخ

قدرت این جریان‌ها را در دست دارند. فقط باید به عنوان "آلترناتیو" حکومت اسلامی از هم اکنون برسمیت شناخته شوند. ذره‌ای ازادخواهی و برابری طلبی و انسانگرایی را نمایندگی نمیکند. بی جهت نیست که پرچم شان را به توپخانه ارتش آمریکا و ارتجاع منطقه و همچنین قدرت تبلیغاتی و مالی این نیروها گره زده اند. سیاست "رژیم چنج" در راس سیاست‌های این جریان‌ها قرار دارد.

این جریان‌ها هر درجه تشدید کشمکش میان آمریکا و متحدین اش با حکومت اسلامی را پیشروی خود و بر عکس هر درجه تخفیف این کشمکشها را عقبگرد و شکستی برای خود می‌دانند. یکبار در دوران اوباما و با به فرجام رسیدن برجام دچار دیپرسیون عمیق سیاسی شدند. امیدشان با عروج ارتجاع ترامپستی قوت گرفت. از خلسه بیرون آمدند. با تشدید تحریم‌های اقتصادی و تقویت نعره‌های جنگی طرفین، جان تازه‌ای گرفتند. اما اکنون در دوران برزخی قرار گرفته‌اند. با هر خبری بالا و پایین میشوند. میدانند که با هر توافقی میان آمریکا و حکومت اسلامی بار دیگر باید به پست‌های سیاسی و تاریکخانه‌های خود عقب نشینی کنند. بیم و امید گویای حال نزار کنونی شان است.

### ملی اسلامی‌ها چگونه؟

در سوی دیگر این کشمکش جریان‌های اصلاح طلب حکومتی، جریان‌های پرو رژیم، جریان‌های متعدد ملی اسلامی، از توده‌ای و اکثریتی و جبهه ملی و نهضت آزادی و امثالهم قرار دارند. جنبش ملی - اسلامی سرنوشت اش در اساس به موجودیت کثیف رژیم اسلامی گره خورده

است. این جریان‌ها میدانند که در صورتیکه این تخصصات به فاز نظامی و تحریم اقتصادی همه جانبه و طویل‌مدت کشیده شود، رژیمی که علی‌العموم قصد اصلاحش را دارند، رژیمی که بقاء خود را به آن میدوند، دچار تلاطمات و صدمات بسیاری خواهد شد و احتمالاً چیزی از آن برای "اصلاح" باقی نخواهد ماند. و مهمتر مردم فرصت چندانی به این حکومت اوباش اسلامی نخواهد داد. این گرایش‌ها مخالف تحریم اقتصادی و حمله نظامی اند اما نه از آن رو که دلشان ذره‌ای برای توده‌های مردم زحمتکش و ستمدیده سوخته است. نه! نگران سرنوشت و موقعیت رژیم اسلامی اند. نگران موقعیت وخامت حکومت اسلامی اند. مخالفتشان از جنس و زاویه مخالفت خوانی‌های جریان‌های پرو اسلامی است. در آن صف و در کنار آنها قرار دارند. بی جهت نیست که هر از گاهی بیانیه صادر میکنند و دست‌التماس به سوی طرفین دعوا دراز میکنند. این جریان‌های لابی‌گرا حکومت اسلامی در غرب و مشخصاً در آمریکا هستند.

برعکس جریان‌های ناسیونالیسم پرو غربی، در تخصصات میان دو قطب ارتجاعی جهان معاصر در آن سوی معادله قرار دارند. بقای خود را در بقای حکومت اسلامی جستجو میکنند. کودکانه آینده رژیم را در سازش و مصالحه میان حکومت اسلامی و غرب جستجو میکنند. بر این تصورند که با سازش با آمریکا و غرب رژیم اسلامی تضمین بقای خود را دریافت کرده است و شاید در پس این معامله و بند و بست این جریان‌ها نیز شاید بتوانند در

کنار حکومت اسلامی به بقای انگلی خود ادامه دهند. کارنامه شان روشن است، هر زمان که رژیم تکه استخوانی به سوی شان پرتاب کرده است، با سر به سمت آن شیرجه رفته‌اند.

### و کمونیسم کارگری ...

اما در تقابل با این دو نیرو کمونیسم کارگری موضع کاملاً متفاوتی دارد. کمونیسم کارگری پاسخ این مساله را به روشنی داده است. این سؤال پاسخ خود را در دوران خاتمی در حزب ما گرفته است. منصور حکمت در پاسخ به "عادی سازی روابط جمهوری اسلامی و آمریکا، آری یا نه؟ و چرا؟" میگوید:

"این سؤال متأسفانه پاسخ آری یا نه ندارد، زیرا چه پاسخ آری و چه نه، خواه ناخواه بر مفروضاتی در خود سؤال صحه می‌گذارند که غیرحقیقی و گمراه کننده است. نظیر این سؤال که "تابعیت ولی فقیه به قانون اساسی آری یا نه، و چرا؟" ... در مورد سؤال شما اولاً، هر دو پاسخ متضمن پذیرش رژیم اسلامی بعنوان یک دولت از نظر حقوقی معتبر است، که حال گویا میشود در مورد روابط خارجی‌اش نظر داشت و مشاوره داد. من با همان شدتی که مخالف تحریم اقتصادی ایران هستم، خواهان رد اعتبارنامه رژیم اسلامی بعنوان دولت ایران و اخراج مقاماتش از همه نهادهای بین‌المللی هستم. جمهوری اسلامی همانقدر دولت ایران است که رژیم آیرتاید دولت آفریقای جنوبی بود و یا رژیم دوالیه‌ها دولت هائیتی بود. ثانیاً، این تصور القاء میشود که موضوع عادی سازی روابط آمریکا و رژیم اسلامی بعنوان یک احتمال یا رویداد سیاسی واقعی طرح ادامه در صفحه ۳

از صفحه ۱

## بحران اقتصادی جمهوری اسلامی راه حل ندارد

سی ساله ما است. دوره رفسنجانی عده ای متوهم شدند که رابطه با غرب حل میشود و وضعیت اقتصادی در ایران رو به بهبود خواهد رفت. ما همان موقع موانع و مشکلات بنیادی جمهوری اسلامی را توضیح دادیم و گفتیم این اتفاق نخواهد افتاد. در دوره خاتمی و جامعه مدنی و دیالوگ تمدن ها که همهمه ای در ایران و در غرب ایجاد کرد، گفتیم بحران جمهوری اسلامی حتی تشدید میشود و همینطور شد. دوره احمدی نژاد افزایش قیمت نفت درآمد قابل توجهی یعنی ۶۱۸ میلیارد دلار را نصیب جمهوری اسلامی کرد. در این دوره در مورد تحولات سیاسی در ایران یک سخنرانی در استکهلم داشتم که دوستی سوال کرد که با این درآمدها، جمهوری اسلامی نمیتواند نارضایتی ها را کاهش دهد، صنایع بیشتری راه اندازی کند و مشکلات اقتصادی خود را کاهش دهد؟ توضیح من این بود که معضلات اقتصاد جمهوری اسلامی و بحران آن همه جنبه تر و عمیق تر از اینها است که با افزایش قیمت نفت تخفیف پیدا کند و حتی تشدید میشود. پول خودبخود

هر اقتصادی را روی غلطک نمی اندازد. و نینداخت. دوره برجام توهم کمتر بود اما حکومت و حواشی آن تلاش کردند مردم را به نتایج اقتصادی برجام امیدوار کنند. جمهوری اسلامی در یک عقب نشینی قهرمانانه! سیاست اتمی اش را تغییر داد، دهها میلیارد دلار هم به ایران سرازیر شد اما کوچکترین گرهی از مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی باز نشد، این پول ها صرف اختلاس و نیروهای سرکوب و تروریسم در منطقه و غیره شد، کارخانه های بیشتری بسته شد، سرمایه گذاری خاصی که مشکلی را حل کند از جانب کشورهای غربی در ایران انجام نشد، گشایشی بوجود نیامد و کوچکترین بهبودی در فلج اقتصادی مردم حاصل نگردید. برعکس اجناس گرانتر شد، بیکاری افزایش یافت و قدرت خرید مردم باز هم افت شدیدی کرد. امروز در مقایسه با آن مقطع و دهه های قبل از آن معضلات اقتصادی جمهوری اسلامی عمیق تر شده و هر نوع بهبودی دشوارتر و غیر ممکن تر شده است. از نظر اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی بسیار بی ثبات تر شده است. عدم رشد تکنولوژی که یک فاکتور مهم در وضعیت اقتصادی هر

کشوری است پس از چند دهه به عقب ماندگی اقتصاد ایران شدت بیشتری داده است. بی اعتمادی جهان غرب به ثبات جمهوری اسلامی و ثبات تصمیم گیری های درازمدت و قابل اتکا از همیشه کمتر است. اگر قبلا به این جناح و آن جناح امیدهایی بسته میشد امروز همه اینها تجربه شده و امیدها! از دست رفته است. امروز هیچ سیاستی و هیچ اقدامی بحران اقتصادی جمهوری اسلامی را علاج نخواهد کرد. نه برجام نه رابطه با آمریکا نه تحولات درون حکومت به نفع این جناح یا آن جناح و نه هیچ اتفاق دیگری. اقتصاد ایران چند دهه از دایره انباشت جهانی جدا مانده است، تکنولوژی بشدت جامانده و قدرت رقابت ندارد، تکلیف مالکیت هنوز روشن نشده و دخالت فاکتورهای غیر اقتصادی در اقتصاد همچنان ادامه دارد. فساد سیستماتیک و دزدسالاری اسلامی به تمام معنی بر اقتصاد حاکم است. بهبود اقتصاد نیاز به ثبات سیاسی درازمدت و سرمایه گذاری های سنگین و دیرفرجام و جذب سرمایه زیادی از خارج دارد که جمهوری اسلامی مطلقا فاقد چنین شرایطی است. هیچ دولتی آینده سیاسی قابل اطمینانی برای جمهوری

اسلامی نمی بیند که حاضر به سرمایه گذاری سنگین در ایران باشد. سرمایه داران داخلی نیز حاضر به سرمایه گذاری های درازمدت و بنیادی نیستند و سرمایه خود را یا به خارج انتقال داده اند و یا در حوزه های غیر تولیدی بکار انداخته اند که امکان رانت خواری بیشتری برای آنها فراهم میکند. هیچ کشوری با چنین مشخصاتی امکان شکوفایی اقتصادی ندارد. هیچ دورنمایی برای تحول مثبت اقتصادی در ایران قابل تصور نیست. سیاست حکومت نیز از این ستون به آن ستون است و در واقع عملا امکان سیاست گذاری کوتاه مدت هم ندارد. معضل اقتصاد جمهوری اسلامی سیاسی است. راه حل نیز سیاسی است. اما سیاستی بنیادی که به ثبات و امنیت سیاسی در ایران و سیاست منطقه ای کاملا متفاوتی منجر شود، رابطه با دنیای غرب را حل کند و ساختار سیاسی و اقتصادی متفاوتی ایجاد کند، در چهارچوب جمهوری اسلامی غیر ممکن است. هر کدام از این تحولات به معنی تلاطم های بزرگ سیاسی در حکومت و نهایتا رفتن جمهوری اسلامی است. و بالاخره تا جایی که به طبقه کارگر و اکثریت مردم مربوط میشود، تا زمانی که جمهوری اسلامی در این

مملکت حکومت میکند، با تحریم یا بی تحریم وضعیت اقتصادی شان رو به وخامت بیشتر خواهد رفت. برای مردم امروز این یک فرض است. امروز حتی تهیه گوچه فرنگی و سیب زمینی هم برای اکثر مردم ساده نیست. مقامات حکومت نیز حتی دیگر وعده بهبود هم نمیدهند برعکس میگویند مردم یک وعده غذا بخورند و کوچک شدن سفره مردم مهم نیست. روشن است که نارضایتی و انزجار عمیق مردم از حکومت صرفا بدلیل وضعیت معیشتی نیست. حکومت اسلامی از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز وصله ناجوری بر جامعه ایران است و با مشخصات تاریخی و فرهنگی جامعه ایران تناقض بنیادی دارد. جامعه مدرن و جوان ایران حکومت دینی را نمیپذیرد. بحران جمهوری اسلامی فقط بحران اقتصادی و ورشکستگی اقتصادی و بی افقی اقتصادی نیست، بحران سیاسی و اجتماعی هم هست. بحران جمهوری اسلامی همه جانبه است و با هیچ جابجایی در حکومت و با هیچ تغییر سیاستی توسط این رئیس جمهور و آن رئیس جمهور قابل رفع و رجوع نیست. این بحران مرگ حکومت است و تنها با جارو شدن حکومت راه حل خود را پیدا میکند.\*

از صفحه ۲

## بیم و امید های دو جنبش ارتجاعی در پس تشدید فعالیت های دیپلماتیک

شده و یا پاسخ میلبلد. حال آنکه این بحث جزئی از پلانفرم سیاسی جناح خاتمی و بخشی از ابتکار و تعرض سیاسی در جدال جناحهاست.

نفس ورود به این بحث به این شکل غیرانتقادی، در حکم پذیرفتن دستور بحث از جناح خاتمی است. عادی سازی عملی رابطه آمریکا و رژیم اسلامی، در گرو تعیین تکلیف جدی جناحهای حکومت است. و این تعیین تکلیف در شرایطی که مردم در کمین رژیم نشسته اند نفس بقاء حکومت اسلامی را زیر سؤال

خواهد بود. و این آن چیزی است که باید توسط چپ در مرکز مباحثات اجتماعی قرار داده شود. اما به هر حال، در پاسخ مستقیم به سؤالتان، روند عادی شدن روابط رژیم ایران با آمریکا، با اعتراض و مخالفت ما، بعنوان کمونیستهای دشمن اسلام و رژیم اسلامی و مخالف میلیتاریسم و

هژمونیم آمریکا روبرو نخواهد شد. این روند بخشی از پروسه فرسایش و زوال رژیم است و در همین چهارچوب باید بعنوان یک داده عینی سیاسی بررسی شود و نه قضاوت. انترناسیونال، شماره ۲۷، تیر ۱۳۷۷. پاسخ ما کماکان همان است، سرنگونی رژیم اسلامی،

شرط تحقق اول دستیابی به آزادی، برابری، رفاه و سعادت همگان است. هر گونه "عادی" سازی روابط حکومت اسلامی با غرب چراغ سبزی برای مردم برای تعرض به حکومتی است که ناچار شده است از مواضع سیاسی خود عقب نشینی کند.\*

## کارگران در هفته ای که گذشت شهرلا دانشفر

### بازنشستگان به استقبال تجمع بزرگ ۲۸ خرداد میروند



بازنشستگان برای پیگیری خواسته‌هایشان به تجمع بزرگ در مقابل مجلس اسلامی برای روز ۲۸ خرداد فراخوان داده اند. بازنشستگان از طریق گروه‌های تلگرامی خود که محل اتحاد و سازمانیافتگی مبارزاتشان است، به تدارک این تجمع میروند و این تدارک وسیع است. از جمله تا کنون گروه‌های اتحاد سراسری بازنشستگان، پیشکسوتان، اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران برای تجمع بزرگ در روز ۲۸ خرداد فراخوان به تجمع داده اند. شورای بازنشستگان ایران در فراخوان خود به تجمع برای این روز، ضمن اشاره به سطح نازل حقوقها، به تاراج رفتن زندگی شاغلین، بازنشستگان و بیکاران و نابودی معیشت ۹۹ درصدی های جامعه، بر اتحاد مبارزاتی بازنشستگان کشوری، لشگری، فولادی، تامین اجتماعی و تمامی بازنشستگان تاکید کرده اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "تا پایان دادن به هر گونه فشار و تهدید علیه فعالین و معترضین معیشتی و نیز توقف گرانی و تورم و افزایش فوری دستمزد ها در حد تامین یک زندگی توام با آسایش و آرامش، به اعتراض جمعی خود بطور منسجم ادامه داده واز پای نخواهیم نشست."

افزایش حقوق به بالای خط فقر ۷ میلیونی، درمان رایگان، پایان به اختلاسها، تحصیل رایگان، پایان دادن به اختلاسها، پایان دادن به

امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی همواره در راس خواسته‌های آنها قرار داشته است. بازنشستگان نقش برجسته ای در جلو آوردن شعارهای چپ و رادیکال علیه فقر، تبعیض، نابرابری و بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم داشته اند. اکنون با چنین خواسته‌ها و اعتراضات خود را برای تجمع ۲۸ خرداد آماده میکنند. بازنشستگان یک بخش معترض و پیشرو در جامعه هستند که همواره با مبارزاتشان نقش برجسته ای در جلو آوردن خواسته‌های رادیکال، چپ و سراسری در سطح جامعه را داشته اند. از همین رو مبارزات آنان به مرکز توجه کل مردم تبدیل شده و اخبار آن بازتاب وسیع در مدیای اجتماعی پیدا میکند. از جمله در همین هفته سندیکای نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای حمایت و همبستگی خود را با مبارزات بازنشستگان اعلام کرده است. این همبستگی ها باید وسیعتر و گسترده تر شود.

### برگزاری آکسیون در مقابل سازمان جهانی کار (آی ال او)

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی" (Free Them Now) ساعت ده صبح روز ۲۱ ژوئن (۳۱ خرداد) به برگزاری آکسیونی اعتراضی در مقابل اجلاس سازمان جهانی کار فراخوان داده است. این

همبستگی با کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه شکنجه و زندان، حمایت از کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات که هم اکنون در میان کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی در ایران جاری است و تاکید بر ممنوعیت شلاق این شکل شنیع مجازات اسلامی و تعیین قرار وثیقه به عنوان شکلی از مجازات در ادامه سرکوبگری های حکومت است. در همین راستا در هفته گذشته اتحادیه سراسری کارگران نروژ (ال او) موافقت خود را با بندهای قطعنامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران اعلام داشت.

### کارگران در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار

شورای باننشستگان ایران طی بیانیه ای در بیستم خرداد به مناسبت یکصدمین سال اجلاس سالانه سازمان بین المللی کار با اشاره به شرایط و فشارهای معیشتی که طی ۴۰ سال حاکمیت رژیم بر کارگران و مردم جامعه تحمیل شده است و نیز

آکسیون در اعتراض به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار، آی ال او، در اعتراض به مامشات این سازمان با حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی و نقض پایه ای ترین حقوق کارگران و مردم ایران برگزار میشود. در این فراخوان از همه مردم، نهادهای کارگری و جریان‌های سیاسی دعوت به شرکت شده است.

در سطح جهانی کمپین برای آزادی کارگران زندانی کارزار برای خروج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را به جلو میبرد. آکسیونهای اعتراضی هر ساله این نهاد کارگری در مقابل سازمان جهانی کار تلاشی در جهت جلب همبستگی بین المللی کارگری از این کارزار مهم سیاسی و انعکاس صدای اعتراض کارگران ایران در سطح جهانی است. تا کنون ۵ اتحادیه کارگران با امضای قطعنامه "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" به کارزار برای خروج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار پیوسته اند. مفاد این قطعنامه

## Free Them Now

برگزاری آکسیون اعتراضی در مقابل  
اجلاس سازمان جهانی کار  
(ILO)

محل: Genève, Place des Nations  
زمان: ۲۱ ژوئن ۲۰۱۹  
ساعت ۱۰ تا ۱۲:۳۰

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار  
اخراج شود. کمپین برای آزادی کارگران  
زندانی با اعلام این خواست، صدای کارگران و  
مردم ایران، صدای کارگران زندانی و تمامی  
زندانیان سیاسی است.

Campaign To Free Jailed Workers in Iran

با اشاره به سرکوبگری های حکومت اعتراض خود را به حضور هیات رژیم اسلامی در این اجلاس اعلام کرده است. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "امسال نیز طبق معمول، در غیاب تشکلهای مستقل و بدون نمایندگان واقعی کارگری، نمایندگان حکومتی از سه گروه کارگری، کارفرمایی و دولت از ایران به اجلاس سالانه سازمان بین المللی کار میروند. در ایران، درحالیکه طبقه مزد بگیر بدترین شرایط و فشارهای معیشتی را طی ۴۰ سال اخیر تجربه میکند و با وجود لشکر میلیونی بیکاران شرایط سختی را میگذراند، رویکرد سیاستهای سرمایه داری بازار آزاد و شتاب گرفتن اجرای آن توسط دولت، باقیمانده دستاوردهای مبارزات پیشین طبقه کارگر را بطور مستمر مورد تعرض قرار میدهد. طبقه کارگر در ایران با همه فشارها و سرکوب ها، برای بهبود شرایط زندگی خود همواره مقاومت و مبارزه کرده و در حالی یکصدمین سالگرد سازمان جهانی کار برگزار میشود که نیروی کار ایران بدون حمایت این سازمان جهانی، در سخت ترین وضعیت معیشتی خود، در اوج کشمکش با سرمایه داری حاکم بر ایران مطالبات خود را دنبال کرده و در این راه با احضار و بازداشت و حبس فعالین خود، هزینه سنگینی را تحمل میکند. مزد بگیران ایران گرچه امید چندانی به این سازمان های تحت کنترل حکومتها و نهادهای سرمایه داری جهانی ندارند و میبینیم که در چنین شرایطی نمایندگان دولتی ایران در ترکیب هیات رئیسه سازمان بین المللی کار قرار میگیرند! اما با اتکاء و ادامه در صفحه ۵



## سودان: ارتش ستون ارتجاع علیه مردم کاظم نیکخواه



ارتش همیشه و همه جا نقش حافظ وضع موجود در مقابل مردم را ایفا میکند. این را تجربه همه کشورها تایید میکند. ارتشها ابزار اصلی حاکمین علیه انقلاب مردم و در مقابل اراده مردم هستند. هرچرا انقلابی در میگیرد هرگاه نظام حاکم به خطر می افتد، هرگاه اقلیت حاکم مورد تعرض مردم قرار میگیرد و احساس خطر میکند، ارتش چهره خود را بعنوان اهرم نظم ارتجاعی آشکار میکند و جلوی چشم میگذارد. اینکه موفق به حفظ اوضاع میشود یا نه بحث دیگری است. سودان تازه ترین نمونه از اثبات نقش متعارف ارتش است. اما قطعاً آخرین نمونه نخواهد بود. اکنون ماههاست که سودان در بی ثباتی و بحران اجتماعی گسترده و

حالت انقلابی قرار دارد. دیکتاتوری اسلامی عمر البشیر که یک ژنرال ارتشی بود و در سال ۱۹۸۹ با کودتا سرکار آمده بود، دو ماه پیش بعد از خیزش گسترده مردم توسط شماری از ژنرالهای ارتش به زیر کشیده شد. حکومت البشیر مدتها با اعتراضات مردم علیه فقر و سرکوب و ناامنی مواجه بود و به مدت ۳۰ سال توانست با وحشیانه ترین کشتارها و جنایات و تجاوز و پاکسازیهای مذهبی و قومی وحشیانه، اعتراضات را عقب براند و به دیکتاتوری خود ادامه دهد. حاکمیت عمر البشیر با اسلام و جنگ و جنایت عجین بود.

طی حکومت البشیر شمار بسیاری از مردم قربانی شدند و با قوانین اسلامی مجازات گردیدند. بویژه زنان قربانیان اصلی این حکومت بودند که با حجاب اجباری و شلاق در ملاء عام و اعدام و تجاوز و برده سازیهای قانونی مواجه بودند. عمر البشیر در سال ۲۰۰۵ در جنگ با نیروهای ناسیونالیست جنوب سودان در آستانه شکست ناچار شد قرار داد صلح امضا کند. اما همزمان جنگ در دارفور جریان داشت و در آن جنگ نیز ارتش و پلیس و باندهای اسلامی مسلح وابسته به بشیر قتل عامها و تجاوز جمعی و پاکسازیهای وحشیانه ای را علیه زنان و کودکان و مردان دارفور به اجرا گذاشتند و صدها هزار نفر را به قتل رساندند و قحطی و گرسنگی و پاکسازی وحشیانه ای را علیه مردم دارفور به اجرا گذاشتند. در سال ۲۰۰۹ دادگاه جنایی بین المللی به

دلیل جنایات حکومت بشیر در دارفور و در کل سودان، دستور جلب او را با حکم جنایت علیه بشریت صادر کرد. اما او به این حکم بی تفاوت ماند و به سرکوب و جنایات باندهای وابسته به خود علیه مردم شدت داد. با اوجگیری اعتراضات توده ای در سودان، عمر البشیر در تاریخ ۱۱ ماه آوریل امسال یعنی درست دو ماه پیش توسط ارتش از حکومت کنار زده شد. این اقدام یا کودتای ارتش در حالی صورت گرفت که خیزش انقلابی مردمی که با اعتراض به گرانی سوخت و نان از سال پیش اوج گرفته بود، گسترش یافت و عمر البشیر در آستانه سرنگونی با قدرت انقلاب مردم قرار داشت. ارتش که سرنگونی البشیر را نزدیک میدید دست به کار شد و عمر البشیر را از حکومت برکنار کرد و گروهی از ژنرالهای ارتش قدرت را بدست گرفتند.

بنا به گزارشهای منتشر شده در خانه مسکونی عمر البشیر مقادیر بسیاری مشروبات گران قیمت الکلی و بیش از ۱۰۰ میلیون پوند پول نقد با دلار و یورو و دیگر ارزهای بین المللی که در چمدانهایی قرار داشته پیدا شده است.

### حفظ اسلام

### و سلطه ارتش

ژنرالهای ارتش بعد از گرفتن قدرت ابتدا اعلام کردند که حکومت آنها موقت است. پس از آن گفتند به فاصله دو سال انتخابات سراسری برگزار خواهند کرد و دولت جدید را انتخاب خواهند نمود. با گسترش دامنه اعتراضات نظامیان با رهبران اعتراضات وارد مذاکره شدند و وانمود کردند که میخواهند به سازش و توافقی برسند. اما مذاکرات به بن بست رسید. شروط اصلی ژنرالها این بود که همچون قبل اسلام بعنوان مرجع و منبع اصلی قوانین ادامه در صفحه ۶

از صفحه ۴

## کارگران در هفته ای که گذشت

پشتگرمی به مبارزات خود، در اعتناء به تریبون های بین المللی برای انعکاس صدای این طبقه بزرگ اجتماعی، رویگردان نیست."

در همین رابطه قبلاً نیز در چهارم خرداد ماه اتحادیه آزاد کارگران ایران طی نامه ای سرگشاده خطاب به شارون بارو دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری که رونوشت آن به تمامی اتحادیه های بین المللی کارگری و نهادهای حقوق بشری ارسال شده است، با اشاره به وضعیت فلاکتبار معیشتی کارگران و کل جامعه و سرکوبگری های جمهوری اسلامی خواستار اخراج نمایندگان دولت ایران

از اجلاس سازمان جهانی کار شده است. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "اتحادیه آزاد کارگران ایران با ارسال این نامه از شما درخواست می کند به سبب مسئولیتی که برعهده دارید این موضوع را به عنوان یک مورد آشکار نقض حقوق انسانی کارگران در ایران مد نظر قرار داده و با درج آن در گزارش خویش در اجلاس یکصد و هشتم سازمان جهانی کار خواهان اخراج نمایندگان دولت ایران شده و با توجه به بی گناهی جعفر عظیم زاده، ناهید خداجو، اعظم خضری جوادی و فرهاد شیخی و دیگر کارگران و معلمان زندانی مؤکداً از مقامات مسئول در ایران بخواهید حکم آزادی بی قید و شرط ایشان را صادر کنند و رفع منع قضایی از این کارگران صورت گیرد."

همچنین جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه طی نامه ای در پانزدهم خردادماه خطاب به کمیته آزادی سازمان جهانی کار با ارائه گزارش مختصری از سرکوبگری های حکومت اسلامی و بطور مشخص در نیشکر هفت تپه شکایت رسمی خود از دولت ایران را جهت ثبت به این سازمان اعلام کرده اند. موضوع این شکایت بررسی و محکوم کردن دولت ایران به خاطر نقض آشکار حقوق بدیهی کارگران در ایجاد تشکل و حق برگزاری تجمع و انتخاب نمایندگان خود و نیز بخاطر سرکوب مبارزات کارگران و فعالین کارگری است. از جمله در این نامه ضمن اشاره به دستگیری دستکم پنجاه نفر از کارگران نیشکر هفت تپه به دلیل اعتراضاتشان، به ادامه

بازداشت اسماعیل بخشی رهبر محبوب این کارگران و سپیده قلیان خبرنگاری که جرمش صحه گذاشتن بر کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه شکنجه و زندان است، اشاره شده است. در این نامه به زیر فشار قرار دادن دائم علی نجاتی از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه و احضار مجدد عسل محمدی به دادگاه به خاطر رسانه ای کردن اخبار اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه اشاره شده است. در این نامه همچنین به ادامه بازداشت ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فر و امیرامیرقلی که در جریان اعتراضات هفت تپه به خاطر پشتیبانی شان از مبارزات این کارگران دستگیر شدند و بخاطر پرونده سازی های کاذب حکومت علیه اسماعیل بخشی و مبارزات

کارگران نیشکر هفت تپه، همچنان در بازداشت بسر میبرند، اشاره شده است. و خلاصه کلام اینکه اعتراض این کارگران به ادامه بازداشت ها، احضارها و بساط شکنجه و زندان در ایران است و نقض حقوق پایه ای کارگران در ایران است.

در ادامه این گزارش در بخشی از این نامه چنین آمده است: "در حالی که دولت ایران عضوی رسمی در سازمان جهانی کار است و هر ساله نمایندگانی به اجلاس سالانه آن اعزام میکند ما میخواهیم که مورد بازخواست و سوال قرار بگیرند و در رابطه با این سرکوب ها پاسخ گو باشند. این سرکوب ها که ما تنها بخش کوچکی از آن را بازگو کردیم و در نقاط مختلف ایران به شکل های مختلف ادامه در صفحه ۶

از صفحه ۵

## سودان: ارتش ستون ارتجاع علیه مردم

باقی بماند، ارگان تصمیم‌گیری نهایی در جامعه یک نهاد نظامی باشد و زبان عربی زبان رسمی کشور اعلام شود. رهبران اپوزیسیون خواهان یک حکومت سکولار و غیر نظامی هستند.

مذاکرات خیلی زود به بن بست رسید و نظامیان سه تن از رهبران مخالفین از جمله یاسر آرمان رهبر جنبش آزادیبخش مردم سودان را که چهره شناخته شده ای در میان تظاهرکنندگان است دستگیر کردند و به همراه دوتن دیگر از رهبران این سازمان آنها را با هلیکوپتر به جنوب سودان تبعید کردند. این اقدام در خفا صورت گرفت و ارتش بعدا اعلام کرد که این فعالین به میل خود به جنوب فرار کرده اند! یاسر آرمان سه روز پیش با رسانه‌ها تماس گرفت و گفت که به زور به همراه اسماعیل جلب و مبارک آردول دوتن دیگر از سران "سازمان‌رهای بخش مردم سودان" به جنوب تبعید شده است اما در آنجا مورد استقبال مردم و مقامات محلی قرار گرفته است.

همزمان روز ۳ ژوئن یعنی هفته پیش تجمع و تظاهرات بزرگی در مقابل مقر ارتش توسط توده‌های وسیع مردم صورت گرفت. مردم با شعار و

پلاکارد و سخنرانی‌ها اعلام کردند که خواهان کنار رفتن نظامیان و انتقال قدرت به خود مردم هستند. اما نظامیان و باندهای مسلح به صف اعتراض کنندگان وحشیانه حمل کردند و بیش از ۱۰۰ نفر را به قتل رساندند و شمار بسیاری را دستگیر کردند و بنا به آمار بیمارستانها حداقل به ۷۰ زن و مرد و کودک تجاوز کردند.

با این جنایات و اقدامات ارتش، رابطه مردم معترض با نظامیان کاملا به حالت قهری در آمده و دیگر جای سازش و مصالحه ای باقی نمانده است. روز ۱۲ ژوئن یک مقام اتیوپیایی که در بحران سودان نقش میانجی را ایفا میکند گفته است که مذاکرات قرار است از سر گرفته شود. اما در خیابانها اعتراضات اکنون گسترش بیشتری یافته است. ارتشیان با مشاهده گسترش اعتراضات شماری از افسران جزء و سربازان را به جرم حمله به تظاهرات مردم دستگیر کردند و اعلام کردند که آنها را مجازات خواهند کرد. اما این ترفندها دیگر کارایی ندارد و تنها وحشت نظامیان از گسترش اعتراضات را بازتاب میدهد. نظامیان یک بار دیگر به مردم ثابت کردند که بهیچوجه قابل اعتماد نیستند و مستقیما علیه مردم وارد عمل شده‌اند. ارتش در واقع میخواهد همان حکومت سابق را بدون عمر البشیر

سرکار نگه دارد. این را مردم بوضوح می‌بینند و میگویند.

### چه تحولی؟

چشم انداز اوضاع سودان دقیقا روشن نیست. آنچه روشن است یک دیکتاتوری ارتجاعی و اسلامی به زیر کشیده شده است و این خود قطعا نتایج مثبتی در آینده جامعه سودان خواهد داشت و ضربه ای به کل جنبش اسلام سیاسی است. فضای سکولار و رادیکال اعتراضات گسترده مردمی میتواند به تحولات مثبت و امید بخشی منجر شود. ارتش تلاش میکند اوضاع را کنترل کند و مانع گسترش و تعمیق تحولات و دخالتگری مردم شود. کل فضای اعتراضات نشان میدهد که نظامیان قادر به عقب راندن خیزش مردمی با زور و سرکوب نخواهند شد. آخرین خبرها حاکی از اینست که یک مقام اتیوپیایی که میانجی مذاکرات بوده است گفته است که قرار است مذاکرات از سر گرفته شود و زندانیان سیاسی همگی آزاد شوند. احتمال اینکه نظامیان ناچار به کنار رفتن از قدرت شوند بسیار است. اما این کناره گیری در شرایط کنونی با سرنگونی قهری نظامیان ممکن بنظر نمیرسد. بلکه با احتمال بیشتر با نوعی سازش و مصالحه "آبرومندانانه" با ارتش عملی خواهد شد. بعبارت دیگر ارتش احتمالا عقب نشینی‌هایی خواهد کرد

و نیروهای اپوزیسیون را در قدرت سهمیم خواهد نمود اما همچنان چون نیروی حافظ نظم در صحنه خواهد ماند و بعنوان مانع تحولی جدی عمل خواهد کرد.

این وضعیت احتمالا بحران سیاسی را کشار خواهد کرد و در در روند این بحران است که باید دید کدام جریان، نیروهای چپ و سکولار، یا جریانات راست و اسلامی میتوانند اوضاع را یکسره کنند و سرنوشت جامعه را بدست بگیرند. مسائل و موانع زیادی در برابر مردم و اپوزیسیون چپ سودان قرار دارد. روشن است که اکثر مردم خواهان امنیت و آزادی و رفاه و حکومتی سکولار هستند و این خود زمینه را برای پیشروی نیروهای رادیکال و سکولار و مردمی فراهم کرده است. یک مانع جدی اقتصاد است که شیرازه اش از هم گسیخته است و سروسامان دادن به آن کار ساده ای نیست. مانع دیگر کشاکشها و اختلافات و جنایات و جنگهایی است که از دوره عمر البشیر جریان داشته است و شکافها و زخمهای عمیقی را بر پیکر جامعه سودان ایجاد کرده و ترمیم آنها نیز یک خواست فوری مردم معترض است و در عین حال با توجه به ترکیب قومی و قبیله ای سودان کار بسیار دشواری خواهد بود. توطئه و دخالتگری دولتهای

منطقه نیز یک معضل جدی است که خنثی کردن آن لازمه اش حفظ صفوف مردم و اتحاد و همدلی مردم پشت دولت آینده است. باید دید اپوزیسیون سکولار و چپ و مردمی سودان تا چه حد میتواند برای چنین ماموریت دشواری آمادگی نشان دهد. ایجاد یک جامعه باز و آزاد و انسانی در دل رقابتها و توطئه‌هایی که سودان را محاصره کرده یک کار هرکولی است. پاسخ به همه اینها و بسیاری از مسائل و معضلات مهم سودان یک رهبری طلبد. چنین رهبری ای یک شبه خلق نمیشود. همراه کردن بخش موثری از مردم یک شبه عملی نخواهد شد. به این دلیل و دلایل متعدد دیگر هنوز زود است که در مورد آینده سودان بتوان ابراز خوش بینی کرد اما با توجه به آنچه تا کنون شاهد بوده ایم میتوان بدرجه ای امیدوار بود که مردم سودان از جهنمی که دیکتاتوری اسلامی عمر البشیر ایجاد کرده بود بطور قطع خلاص شوند و روندی که آغاز شده بتواند بتدریج فضای سکولار و صلح آمیزتر و انسانی تری را بر جامعه دیکتاتور زده و مذهب زده و جنگ زده سودان حاکم کند.\*

از صفحه ۵

## کارگران در هفته ای که گذشت

دیگری نیز اتفاق افتاده است، تنها گوشه ای از نقض آشکار حقوق بنیادین کارگران در ایجاد تشکل، تجمع، اعتراض مسالمت آمیز و حق آزادی

انتشار برای دفاع از مطالبات کارگران است. پهانه های نخ نما و پوسیده ی دولت ایران که سعی میکند کارگران و فعالان کارگری را به جریانات سیاسی و اپوزیسیون و یا حتی به طرزی بی شرمانه به فعالیت های تروریستی وصل کند، برای ما کارگران و اکثریت جامعه ی ایران و تمام

تشکلات کارگری داخلی و جهانی، کاملا بی اعتبار است." در آخر این کارگران خواستار پاسخ رسمی سازمان جهانی کار و اطلاع آن به عموم کارگران در ایران و به کارگران نیشکر هفت تپه شده اند.

رونوشت نامه این جمع از کارگران نیشکر هفت تپه

خطاب به نهادهای زیر است: فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری کشاورزی و خوار و بار IUF، فدراسیون بین المللی تشکلات کارگری ITUC، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کانون های صنفی معلمان در

ایران، تشکلات مستقل کارگری و جریانات و نهادهای حامی جنبش کارگری در ایران و رسانه ها جهت حمایت و انتشار است.\*

## مسائل انقلاب ایران "اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید"



جلیل جلیلی

این روزها در بین برخی فعالین سیاسی، عمدتاً فعالین چپ و کمونیست، بحثهای زیادی در رابطه با اصطلاح "اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید" در جریان بوده است. بحث ظاهراً از اینجا شروع شده که حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری، اخیراً در یک سخنرانی خطاب به کمونیستهای ایران، از آنها خواسته است که خود را نه در قامت معترضین مادام العمر بلکه در قامت ناجیان و رهبران آینده آن جامعه ببینند و در این قامت ظاهر شوند. سخنرانی مورد اشاره ایشان نکات فراوانی را شامل میشود از جمله اینکه انقلاب حرکتی است اجتماعی و همگانی علیه قدرت حاکم. سرنوشت هر انقلابی به نیروی رهبری کننده آن انقلاب گره میخورد. کمونیسم در هر انقلابی تنها زمانی میتواند بعنوان رهبر آن انقلاب انتخاب شود که در قامت یک حزب سیاسی عروج کند. این حزب باید نه تنها از خواستها و مطالبات یک طبقه و یک بخش جامعه بلکه از خواستها و مطالبات برحق همه بخشهای جامعه دفاع کند و خود را نه فقط ناجی یک طبقه یا یک بخش از جامعه بلکه ناجی کل جامعه از تمام مصائب و مشکلات اجتماعی شناخته شده آن جامعه در زمان

تاریخی معین معرفی کند. ایشان بخشی از گفته های خود را به این شکل فرموله میکند که "اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید". اگر فرضیاتی که نظرات مطرح شده از طرف حمید تقوایی بر آنها متکی است را قبول داشته باشیم در این صورت درک درست بودن نظرات ایشان و راه گشا بودن رهنمودهای ایشان برای کمونیسم در شرایط امروز ایران سخت نخواهد بود. فرضیاتی که رهنمودهای حمید تقوایی بر آنها متکی است از جمله عبارتند از: جمهوری اسلامی رفتنی است. جامعه ایران برای برانداختن حکومت به حرکت درآمده است. تمام بخشهای مردم ایران حکومت اسلامی را مصعب و عامل بقاء تمام مشکلات خود میدانند و رهایی از این مشکلات را در رهایی از شر این حکومت و این رژیم جستجو میکنند. کمونیسم در ایران نفوذ گسترده ای دارد. کمونیسم در ایران متشکل است. راه حل های کمونیستی در میان نه تنها جنبش کارگری بلکه در میان سایر جنبشهای اجتماعی، از جمله جنبش آزادی زن، جنبش دانشجویی، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان، جنبش دفاع از محیط زیست، جنبش سکولاریستی و رهایی از مذهب، جنبش آزادی همجنس گرایی و جنبش دفاع از حقوق کودکان به گفتمان مسلط تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری در ایجاد چنین فضایی در جامعه ایران نقش فعالی بازی کرده است. معضلات جامعه ایران راه حل سرمایه دارانه ندارد.

سوسیالیسم و کمونیسم در ایران امکان و احتمال پیروزی دارد.

من این فرضیات را درست و واقعی میدانم. و بنظر میرسد که آن تعداد از فعالان سیاسی هم که حول فرمول بندی «اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید» (سر و صدا راه انداخته اند و تلاش دارند تا خط و سیاست حمید تقوایی را راست روی جلوه دهند، در مورد خیلی از این مفروضات، اگر نه همه آنها، با ما توافق داشته باشند. ولی شاید هم، در برخی از این مفروضات توافق وجود نداشته باشد و یا سوء تأییرات و سوء تفاهماتی در برخی از مفروضات باشد. من میخواهم در اینجا نگاهی داشته باشم به برخی از این عدم توافقات و یا سوء تفاهمات احتمالی. ابتدا نگاهی بیاندازیم به نکته ای که این دوستان سر آن با حمید تقوایی توافق ندارند؛ انقلاب امری است همگانی. درک این مساله که انقلاب یعنی خیرش عمومی برای سرنگون کردن حکومت، برای کسانی که در دوپست سال گذشته در این جهان زیسته اند و مقداری با سیاست و تحولات سیاسی و اجتماعی آشنایی داشته اند، آسانترین مساله است. دنیا در دوپست سال گذشته شاهد انقلابات فراوان بوده است. در هیچ یک از این انقلابات تنها یک طبقه یا یک بخش از جامعه شرکت نکرده است بلکه در همه آنها تمام طبقات و اقشار ناراضی از وضعیت موجود شرکت داشتند. و این بستیگی داشته که نمایندگان سیاسی چه طبقه ای و با چه خط مشی سیاسی آن انقلابات را رهبری کرده اند. نه در انقلاب بورژوازی

دوپست سال پیش فرانسه فقط طبقه بورژوا شرکت کرد، نه در انقلابی که یکصد سال بعد از آن در همان کشور اتفاق افتاد و به کمون پاریس معروف شد، تنها کارگران شرکت کردند. در هر دو این انقلابات تمام مردم و تمام اقشار ناراضی از وضعیت موجود شرکت داشتند و همه آنها راه حل را در سرنگونی حکومت موجود میدیدند، ولی اگر دستاوردهای این دو انقلابات برای شرکت کنندگان اش متفاوت بود، که بود، نه بخاطر این بود که انقلاب اول همگانی بود و دومی نه. و نه بخاطر این بود که در انقلاب اول همه اقشار ناراضی شرکت داشتند و در دومی فقط کارگران شرکت داشتند، نه بلکه به این خاطر بود که رهبری اولی دست بورژوازی بود و رهبری دومی دست کمونیست ها.

نه در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه تنها کارگران شرکت داشتند و نه در انقلاب ۱۳۵۷ ایران فقط "مسلمانان". اگر انقلاب ۵۷ ایران از منظر کارگران، زنان، و اکثریت شرکت کنندگان در آن انقلاب به اهدافش نرسید که نرسید، اگر انقلاب ۵۷ ایران ملا خور شد که شد و اگر انقلاب ۵۷ ایران اسلامی شد که شد، دلیلش این نبود که آن انقلاب همگانی بود و یا اینکه همه اقشار ناراضی از وضع موجود همزمان و دسته جمعی در تظاهرات های خیابانی شرکت کردند و همه با هم علیه حکومت موجود دست به اقدام زدند. بلکه دلیل اش بطور ساده این بود که رهبری این انقلاب بدست جریان اسلامی و در رأس آن خمینی افتاد. به بیان دیگر دلیل اینکه انقلاب ۵۷ آزادی، برابری و رفاه را برای شرکت کنندگان در آن انقلاب به

ارمغان نیاورد، این بود که کمونیست ها نتوانستند رهبری آن انقلاب را بدست بگیرند. من در این نوشته نمیخواهم به دلایل متعدد اینکه چرا کمونیستها نه، بلکه جریان اسلامی رهبری انقلاب را بدست گرفت، بپردازم. ولی میخواهم به یکی از دلایلی که جریان اسلامی توانست رهبری اش را بر آن انقلاب تحمیل کند و یا حتی حمایت بخشی از چپ آن دوره جامعه را، "چپ ضد امپریالیست" را، با خود داشته باشد، که به این بحث هم مربوط است، اشاره کنم. دلیل آن، این نبود که آن يك انقلاب همگانی بود و همه با هم در انقلاب شرکت کردند. و این هم نبود که گویا کمونیست های آن جامعه در جریان آن انقلاب به افشاگری علیه جریان اسلامی اقدام نکردند. (یکی از "ناقدین اصطلاح اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید، رحمان حسین زاده، گفته است: "خلاء بزرگ جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه سال ۵۷ علیه رژیم سلطنت اتفاقا نبودن تقابل و شعارروشن علیه اپوزیسیون فوق راست بورژوا اسلامی بود، که جنبش چپ و کمونیستی آن موقع دقیقاً به دلیل پوپولیسم حاکم و به خط شدن زیر بیرق "همه با هم" از چنین درایت و ابتکاری بهره مند نبود من اینجا لازم میدانم بگویم که در مقطع مورد اشاره ایشان جریانی در چپ ایران، اگرچه ضعیف و پراکنده، وجود داشت که علیه جریان اسلامی به مردم هشدار داد. خود من در پائیز سال ۵۷ که در شهر شاهپور، یکی از شهرهای آذربایجان غربی، کار میکردم، اعلامیه ای با عنوان هشدار به مردم انقلابی نوشتم. این اعلامیه در ادامه در صفحه ۸

از صفحه ۷

## مسائل انقلاب ایران "اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید"

دفاع از حقانیت انقلاب علیه حکومت پهلوی و در نقد جریان اسلامی بود با این مضمون که اگر خمینی و جریان اسلامی سر کار بیایند یک حکومت فاشیستی و شرایطی بدتر را ایجاد خواهند کرد. من و یکی دیگر از رفقای خوبم یک شب تمام وقت صرف کردیم و این اعلامیه را با استفاده از کاربن به تعداد یکصد عدد تکثیر کردیم و در تظاهرات روز بعد بخش کردیم. من مطمئنم که کمونیست های زیادی در سایر جاهای ایران وجود داشتند که توهمی به خمینی و بورژوازی «ملی» نداشتند و دست به افشاگری علیه این توطئه بورژوازی جهانی زدند ولی صدای آنها در هیاهوی ضد امپریالیستی حاکم بر فضای اعتراضی آن روزها، مثل قطره های باران در زمین خشک، ناپدید شد و نتوانست هیچ نیرویی را سازمان بدهد و جایجا کند. بنابراین اگر دلیل اینکه کمونیستها نتوانستند انقلاب ۵۷ را رهبری کنند "بودن تقابل و شعاروشن علیه اپوزیسیون فوق راست بورژوا اسلامی از طرف کمونیستها نبود، ولی يك دليل پذیرفته شدن خمینی بعنوان رهبر آن انقلاب این بود که او خود را نه "اپوزیسیون اپوزیسیون بلکه بعنوان رهبر همه اقشار مردم و همه گرایشات اجتماعی معرفی کرد. جریان اسلامی از مکانیسم های رهبری یک " انقلاب همگانی بدرستی استفاده کردند. آنها خود را نه نماینده یک گرایش اجتماعی معین بلکه نماینده " ملت و نماینده همه مردم و همه اقشار اجتماعی اعلام کردند. اینجا لازم میدانم، تا آنجا

که به این بحث مربوط است، به شباهتها، اگر شباهتی وجود داشته باشد، و تفاوت های دو انقلاب، انقلاب علیه حکومت شاه و انقلاب علیه جمهوری اسلامی اشاره کنم. تنها شباهت گریزناپذیر این دو انقلاب، مثل شباهت همه انقلابات، "همگانی بودن ولی تفاوتها:

\* اولین تفاوت در شرایط کاملا متفاوت زمانی آنهاست. در ۴۰ سال گذشته خیلی چیزها در جهان و همینطور در ایران عوض شده است. وسایل ارتباط جمعی چنان گسترش پیدا کرده که همه مردم امکان دسترسی به همه اطلاعات لازم برای تصمیم گیری در مورد زندگی شان را دارند. همه مردم جهان و هابئله \* مردم ایران بطور زنده در جریان پیشرفتهای علمی، فنی و فرهنگی همدیگر قرار دارند. این دستاوردها امکان در خفقان و در ترس و در بیخبری نگهداشتن جامعه را از حاکمین سلب کرده است.

\* اگر در قبل از انقلاب ۵۷ راه حل سوسیالیستی معضلات مردم طرح نشده بود و هنوز توهم به "بورژوازی ملی و مترقی و توهم به "راه حل اسلامی معضلات مردم در جامعه ایران موج میزد، اکنون این توهما تود شده و به هوا رفته است.

\* روحیه ضد سرمایه داری و ضد تقسیمات طبقاتی، روحیات ضد تبعیضات جنسی، زبانی، مذهبی و ضدیت با هر نوع تفکرات تفرقه افکنانه در بین مردم گسترش یافته است.

\* طبقه کارگر ایران رهبرانی کاردان، سوسیالیست و دارای آگاهی همه جانبه به

خصلت نمای کمونیسم امروز ایران است.

\* اگر مبارزه برای آزادی زن از طرف بستر اصلی چپ در انقلاب ۵۷ «فرعی» قلمداد شد و به حاشیه رفت، بستر اصلی کمونیسم در ایران امروز پرچم آزادی زن را برافراشته نگهداشته و انقلاب آتی ایران را بطور سمبولیک انقلاب زنانه نامیده است.

و نکته آخر، ولی نه آخرین نکته، این است که اگر کمونیسم حقیقی، یعنی کمونیسمی که اعتراض کارگران علیه استثمار و علیه کار مزدی است، کمونیسمی که صدای محرومان علیه فقر و نابرابری است، کمونیسمی که صدای آزادیخواهان و برابری طلبان است، کمونیسمی که صدای آزادیخواهی زنان و صدای اعتراض آنها علیه تبعیض است، نتوانست خود را در یک حزب واحد متشکل کند و مدعی رهبری انقلاب ۵۷ شود و بدین ترتیب میدان برای عروج جنبش اسلامی در نقش رهبری آن انقلاب باز تر شد، اکنون کمونیسم کارگری، که با ضد نظام سرمایه داری بودندش، با مدافع سازش ناپذیر آزادی زن بودندش، با سکولاریسم و مدرنیسم و ضد اسلام سیاسی بودندش، با مخالفتش با هرگونه ستم و تبعیض و با مصمم بودنش در سرنگونی جمهوری اسلامی

بقدرت انقلاب مردم و تشکیل یک حکومت شورایی و ساختن یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و انسانی شناخته شده است، آری چنین حزبی در حال سازماندهی و هدایت انقلاب علیه حکومت اسلامی سرمایه داران و در حال بازی کردن نقش رهبر این انقلاب است. و حمید تقوایی بعنوان لیدر چنین حزبی و از طرف چنین حزبی به کمونیست های ایران فراخوان میدهد که خود را بازیگران این صحنه ببینند و در چنین قامتی ظاهر شوند. و این است معنی اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید. فراخوان من به همه کمونیستها، رهبران جنبش کارگری، فعالین جنبش زنان، سازماندهندگان اعتراضات دانشجویی، فعالین دفاع از حقوق کودکان، فعالین محیط زیست و فعالین همه جنبش های حق طلبانه این است که فعالیت های خود را با این دورنما به پیش ببریم که ما اینبار میتوانیم انقلاب در حال شکل گیری را به پیروزی برسانیم. درایت سیاسی و اقدامات حساب شده زیر یک سیاست واحد و درست یکی از ضروریات پیروزی کمونیسم در ایران است.\*

توضیح انترناسیونال: هابئله، کلمه ای ترکی است به معنای همینطور

### در کنگره حزب کمونیست کارگری شرکت کنید!

عزیزان دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنید.

برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم در مورد کنگره

حزب با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

تلفن

تماس: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com

m

در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندرکاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند.

کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری در اکتبر ۲۰۲۹ برگزار میشود کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است! یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه اکتبر ۲۰۱۹ به طور علنی در آلمان برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست



## فراخوان به اعتراض علیه نمایشگاه حجاب در کلن؛

### دیگر بس است!



بعد از برگزاری نمایشگاه حجاب در شهر فرانکفورت آلمان، این بار در شهر کلن نمایشگاهی از نقاب و برقع و حجاب کامل اسلامی از تاریخ ۲۱ تا ۳۰ ژوئن بازگشایی میشود که در آن مبتکر این نمایشگاه "سلینا پفرورنر" میخواهد دنیای درونی این زنان را به بقیه نشان دهد و حتی امکان امتحان کردن این پوشش کامل اسلامی را برای بینندگان نمایشگاه فراهم کرده است.

این نمایشگاه به کمک موسسات دولتی در استان نوردراین وستفالن آلمان برپا میشود. شنیدن خبر برگزاری این نمایشگاه در بین ما زنان از ایران و عراق و عربستان سعودی و سودان و افغانستان که ساکن این استان هستیم با موجی از خشم و شوک همراه است. بی ضرر جلوه دادن نقاب و برقع و تبلیغ بی هویت شدن و بی چهره شدن زنان و بی تفاوتی کامل در

مورد درد و رنج میلیونها و میلیونها زن در کشورهای اسلام زده و تبلیغ مثبت به نفع نقص کامل حقوق زن در یک کشور اروپایی یک اسکاندال و یک واقعه شرم آور سیاسی است.

ما در یک کشور اروپایی و در سال ۲۰۱۹ با نمایشگاهی روبرو هستیم که میخواهد حجاب کامل و محو کامل زنان را تبلیغ کند و به بقیه امکان دهد که اینرا امتحان کنند و بنا به درخواست عکاس و مبتکر این نمایشگاه بدون احساساتی شدن در این مورد حرف بزنند. اگر کسی میتواند در مورد علامت نازیها و در مورد آشویتس و کوره آدم سوزی بدون احساسات بحث کند،

پس از مردم آلمان و ما فراریان از جنبش اسلامی نیز بخواهید در مورد پارچه ای که کل احساسات و عواطف، حقوق و انسانیت ما زنان را محو و نابود میکند، بدون احساسات حرف بزنیم.

مردم ساکن کلن و استان نوردراین وستفالن! این یک فراخوان به همه شماست. کلن در مقابل بی چهره کردن زنان باید بایستد. کلن باید در مورد این تعرض سازمانهای اسلامی به حق و موجودیت زنان بایستد و باید در مقابل نهادهای دولتی که با این اقدام به رشد جنبش اسلامی و نقض سیستماتیک حقوق زنان کمک میکنند اعتراض کند. فراخوان ما در عین حال

به همه سازمانهای مدافع حقوق زن و مدافعین سکولاریسم و مدرنیته، مخالفین دخالت مذهب و اسلام در زندگی زنان اینست که به این نمایشگاه شرم آور اعتراض کنید. ما مجموعه اعتراضاتی را در مقابل نمایشگاه سازمان خواهیم داد که از همگان دعوت میکنیم در این حرکتهای اعتراضی ما را همراهی کنند.

زنان از کشورهای اسلام زده علیه بی چهره کردن زن!

تماس با رسانه ها:

مینا احدی

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

Minaahadi26@gmail.com

https://www.artmx.de/

index.php/ausstellungen/

munaqabba

## یک زندانی سیاسی دیگر را در زندان کشتند

### جمهوری اسلامی مسئول مستقیم قتل علیرضا شیرمحمد علی ۲۱ ساله است

علیرضا شیرمحمد علی، زندانی سیاسی ۲۱ ساله، تنها نان آور خانواده که به اتهام نخ نمای "توهین به مقدسات و خمینی و خامنه‌ای و تبلیغ علیه نظام" به ۸ سال زندان محکوم شده بود بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در ۲۴ تیر ۱۳۹۷ پس از ۳۶ روز بازجویی وحشیانه و زندان انفرادی به زندان فشافویه، بند در بسته مشهور به سوئیت در بسته، تیپ ۱ سالن ۱۱ زندان تهران بزرگ منتقل شد. او در ساعات پایانی شب گذشته دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۸، در پی حمله دو تن از ارازل و اوپاش گماشته مسئولین زندان به نامهای محمدرضا خلیل زاده و حمیدرضا شجاع زاده، معروف به "حمید خروس"، بیرحمانه با ضربات چاقو بشدت مجروح شد و جانش را از دست داد.

روز دست به اعتصاب غذا زدند و در ۲۷ فروردین ماه با پذیرش وعده انتقال به زندان اوین یا رجایی شهر، به اعتصاب خود پایان دادند.

علیرضا در نامه سرگشاده‌ای در باره دوران بازجویی و زندان خودش می‌گوید: "۲۱ سال سن دارم و تک فرزند هستم، نان آور خانواده و مادرم محسوب می‌شوم. قرار تأمین ۸۰ میلیون تومان کفالت برایم صادر شد اما دادسرا و دادگاه انقلاب بدون دلیل موجه و قانونی از قبول کفالت امتناع کردند. به دلیل ناتوانی مالی امکان گرفتن وکیل و پیگیری امور پرونده‌ام را ندارم. در زندان تهران بزرگ به سختی گذران دوران حبس می‌نمایم. نظام جمهوری اسلامی فشار روحی و روانی‌ای بر من وارد کرده است. از حقوق اجتماعی یک زندانی محروم هستم و خواسته‌های مکررم برای قبول وثیقه و تسریع در

انتقال به زندان دیگر بی‌پاسخ مانده است. در جریان اعتصاب غذا، هیچ رسیدگی‌ای به خواسته‌هایم نشده است و هر یک از مسئولان زندان و مراجع قضایی، مسئولیت رعایت حقوق مرا بر عهده دیگری گذاشته است تا به این ترتیب از خود رفع تکلیف کرده باشند."

قتل سازمان یافته علیرضا شیرمحمد علی به دست عوامل اوپاش جمهوری اسلامی، انجام گرفته است. همه قرائن و شواهد نشان می‌دهد که نقشه این جنایت از پیش طراحی شده است. تلفن‌های سالن در موقع درگیری قطع شده بود، هیچ مأموری در سالن زندان نبود. جانباختن زندان او را وحشیانه به قتل رساندند.

جان زندانیان سیاسی در همه زندانها در خطر جدی است! جمهوری اسلامی افسار پاره کرده است و مذبوحانه به

هرجا حمله می‌برد. احکام سنگین زندان و شلاق و اخراج و وثیقه‌های چند صد میلیونی صادر می‌کند! با این توهم که صدای اعتراض مردم را خاموش کند!

جهان متمدن باید قاطعانه مقابل این درندگی و توحش بایستد! خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی شود! باید زندانهای سیاسی تعطیل گردد!

مبارزه بی‌وقفه کارگران، زنان، معلمان، جوانان و دانشجویان و بازنشستگان و

همه مردم جان به لب رسیده این ماشین مخوف آدمکشی را متوقف خواهد کرد!

از همه مردم شریف بویژه اهالی نازی‌آباد می‌خواهیم که با اعتراض وسیع خود در حمایت از مادر تنها و داغدار علیرضا، سوگواری او را به صحنه اعتراض به حکومت تبدیل کنند! جمهوری اسلامی باید پاسخ این جنایت وحشیانه خود را بگیرد!

کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی

۲۱ خرداد ۱۳۹۸

۱۱ ژوئن ۲۰۱۹

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

## نامه سرگشاده سپیده قلیان از زندان قرچک

### من ایستاده ام



صبح روز دوشنبه، ۱۳ خرداد، مسئول بند در زندان اوین من را برای رساندن خبری احضار کرد. خانم مسئول بند سراسیمه و نگران به من گفت که حامل خبری ناگوار است با وجود اینکه در ماه‌های اخیر هر روز شنونده اخبار ناگوار بوده‌ام، اما از اینکه این خبر می‌تواند تصادف اعضای خانواده‌ام در مسیر دزفول-تهران برای ملاقات با من باشد، به خود لرزیدم

دنیای زندان دنیای بی‌خبری است. زندانی در حالی که "هست" در واقع "نیست"، چرا که از آنچه آن‌سوی دیوارهای زندان می‌گذرد، غالباً اطلاع دقیقی ندارد. در نتیجه گاهی حتی خبر خوب هم برای زندانی بد است. خاصه آن که آن روز تلفن زندان هم قطع بود. اما خبری که به زعم مسئول بند، بد بود، تصمیم بر انتقال من از

است. زندانی فاقد هر گونه امکانات اولیه، مملو از فشار و توهین و تحقیر. اکنون که زندانی این تبعیدگاه ضد انسانی هستم، آنچه که از روزهای انتهایی آبان سال گذشته تا امروز بر سرم آمده است را مرور می‌کنم:

بازداشت غیر انسانی، شکنجه، بهتان، انفرادی، پخش اعترافات اجباری ضرب و شتم و بازداشت خود و اعضای خانواده، زندان، از زندان به زندان، و از زندانی به زندانی دیگر. از ۲۷ آبان سال گذشته تا به امروز، همه چیز مانند یک کابوس غیر واقعی، اما شوربختانه دردآور و واقعی بوده است. مگر من چه کرده بودم که نهادهای قضایی و امنیتی حکومت، کمر همت بر نابودی زندگی من بسته‌اند؟ نهاد امنیتی دنبال چند قربانی است تا اعتراضات گسترده کارگران هفت تپه را به گردن آنها بیندازد و به این طریق به روسای خود بگوید که بحران تحت کنترل است. نهادهای امنیتی گویا در خوش‌خدمتی به سرمایه‌داران از هیچ ظلمی به معترضان وضع موجود دست نمی‌کشند

روحیه من شده است، چرا که حافظان وضعیت موجود حتی از تغییر کردن من در زندان اوین ناامید شده‌اند. عاملان و حافظان وضع موجود نمی‌دانند تا وقتی که شکاف‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی در پیکر این جامعه باشد، صدای اعتراض خاموش نخواهد شد. با برخوردهای سبانه با معترضان، نتیجه‌ای عایدشان نمی‌شود

من با تمام ستمی که در حقام روا داشته‌اید همچنان ایستاده‌ام و روزها که بیشتر سپری می‌شود بیشتر بر حقانیت صدا و اعتراض باور پیدا می‌کنم. مقاومت من در پیوند با مقاومت همه کسانی‌ست که هجمه تهدید و فشار، خم به قامت استوارشان نینداخته و نخواهد انداخت. من ایستاده‌ام چرا که بحران اقتصادی و اجتماعی عمیقی که من را به اعتراض واداشت، هنوز وجود دارد و نه تنها رفع نشده که تشدید نیز شد.

سپیده قلیان  
زندان قرچک  
۹۸ خرداد ۹۸

اما بحران تحت کنترل نیست حضرات! تجربه جابه‌جایی در چند زندان مختلف من را به این شناخت رساند که وضعیت بحرانی اقتصاد، زاینده فاجعه در زندگی طبقات فرودست شده است. پس از اینکه اسماعیل بخشی و من از شکنجه‌گفتم، برای در هم شکستن ما اعترافات اجباریمان را پخش کردند اما ظاهراً این حرکت هم نهادهای امنیتی را راضی نکرد و ما برای بار دوم بازداشت شدیم. حداقل در مورد خودم مطمئن هستم که پس از بازداشت انواع شکنجه را تحمل کرده‌ام.

بلاتکلیفی مطلق در بیش از سه ماه بازداشت موقت (!)، انتقال از این زندان به آن زندان و تحقیرها و تهدیدها تنها بخشی از این شکنجه‌ها بوده است. ما را شکنجه می‌کنند که قبول کنیم شکنجه نشده‌ایم! اما واقعیت این است که از انتهای آبان سال گذشته تا امروز، هر روز ما شکنجه بوده است. در واقع انتقال به زندان قرچک تنها موجب تقویت

کدام زندان باشد! اطمینان دارم که عزمش بیشتر خواهد شد و این قبیل سرکوب‌ها در او و امثال او اثر نخواهد کرد. او را به جایی فرستادند که حتی زندانیان مواد مخدری‌اش شعاری دارند مبنی بر این‌که: "نمی‌شود حبس مواد را بکشیم خود مواد را نکشیم". سپیده قلیان دختر جوان آزادی‌خواه کشورمان سراسر از شور زندگی‌ست امثال او کم نیستند و همچنان تکثیر می‌شوند...

آتنا دائمی-فعال حقوق  
بشر-اوین-خرداد ۹۸



## نامه آتنا دائمی در خصوص انتقال سپیده قلیان به زندان قرچک ورامین؛

### "اطمینان دارم که عزمش بیشتر خواهد شد"

"بیست و دو ساله است! در حسرت آزادی و برابری. در اولین تجربه‌اش از زندان با نهایت سرکوب مواجه شد. دخترک را کتک زدند و در برابر دوربین نشانند و او را

مجبور به اعتراف علیه خود کردند و تا ابد زخمی عمیق بر روانش وارد کردند، اما نه زخمی که او را از پای اندازد، بلکه قطعاً مصمم‌تر از قبل خواهد شد! فیلم اعترافات اجباری و تحت شکنجه او را از دستگاه دروغ‌پراکنی خود

نایاک و آلترناتیوسازی و تعاملات پشت پرده، منحرف کنند! در طول مدت شکنجه‌های فیزیکی او را در سلول مردانه نگاه‌داری کردند و بعد او را به بند عمومی فرستادند. سپس او را بعد از ۱۵ ساعت در راه بودن با غل و زنجیر و چشم‌بند به طهران و زندان اوین منتقل و پس از چند هفته به قرچک تبعیدش کردند. به دانشگاه علوم سیاسی! به نمایشگاه مرور آثار چهل ساله جمهوری اسلامی! گمان می‌کنند برای کسی که در اوج جوانی خود پا در راه مبارزه گذاشته و از همه چیز گذشته، تفاوتی دارد که در